



بررسی چالش‌های یادگیری در پایه‌های اول تا سوم ابتدایی

یاسین حاجی محمودی

کارشناسی آموزش ابتدایی @gmail.com yasin.hjm 1999



MDOI-02-2026.0367
DOI:10.24815/2-DABBCF

یادگیری در سال‌های نخست دوره ابتدایی، به‌ویژه پایه‌های اول تا سوم، نقش مهمی در شکل‌گیری توانایی‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان دارد. با وجود اهمیت این دوره، بسیاری از دانش‌آموزان با چالش‌هایی همچون ضعف در مهارت‌های پایه خواندن، نوشتن و حساب کردن، اختلال در تمرکز و توجه، تفاوت‌های فردی، مشکلات زبانی، اضطراب، کمبود انگیزه، ناهماهنگی میان روش‌های تدریس و نیازهای یادگیرندگان و همچنین محدودیت حمایت‌های خانوادگی و آموزشی مواجه هستند. هدف این مقاله، بررسی مهم‌ترین چالش‌های یادگیری دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم ابتدایی و شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یا تشدید این مشکلات است. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، ابعاد مختلف مشکلات یادگیری در این دوره بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تشخیص دیر هنگام مشکلات، استفاده از روش‌های تدریس یکسان برای همه دانش‌آموزان، ضعف ارتباط میان خانواده و مدرسه و کمبود برنامه‌های مداخله‌ای مناسب، از مهم‌ترین موانع پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان هستند. همچنین، توجه به تفاوت‌های فردی، به‌کارگیری روش‌های فعال و بازی‌محور، ارزشیابی مستمر، آموزش والدین و تقویت همکاری میان معلم، خانواده و متخصصان می‌تواند در کاهش این چالش‌ها مؤثر باشد. بنابراین، شناسایی زودهنگام مشکلات یادگیری و ارائه حمایت‌های آموزشی و روان‌شناختی مناسب، زمینه موفقیت تحصیلی و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان را فراهم می‌کند.

کلمات کلیدی

یادگیری، چالش‌های یادگیری، دوره ابتدایی، پایه‌های اول تا سوم، مشکلات یادگیری، مهارت‌های پایه، تفاوت‌های فردی، آموزش ابتدایی.

مقدمه

دوره ابتدایی سنگ‌بنای نظام آموزشی هر کشور محسوب می‌شود و پایه‌های اول تا سوم ابتدایی به عنوان «سال‌های طلایی» رشد شناختی و مهارت‌آموزی، نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. در این بازه



زمانی، دانش آموز از فضای بازی و آموزش های غیررسمی پیش دبستانی وارد محیطی ساختارمند می شود که مستلزم کسب مهارت های پیچیده ای نظیر خواندن، نوشتن و تفکر انتزاعی اولیه است. با این حال، بسیاری از دانش آموزان در همین سال های آغازین با موانع و چالش های یادگیری مواجه می شوند که اگر به درستی شناسایی و مدیریت نشوند، می توانند به افت تحصیلی، کاهش اعتماد به نفس و حتی ترک تحصیل در سال های بالاتر منجر شوند.

چالش های یادگیری در این مقطع، پدیده ای چندبعدی است که از عوامل فردی (نظیر ویژگی های عصب شناختی و توانمندی های شناختی) تا عوامل محیطی (مانند روش های تدریس، جو کلاس، سبک های فرزندپروری و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده) را در بر می گیرد. تفاوت های فردی دانش آموزان در آمادگی برای یادگیری، تفاوت در سبک های شناختی، و گاهی عدم هماهنگی برنامه های آموزشی با نیازهای رشدی کودکان، باعث می شود که فرایند انتقال به سواد پایه برای همه به یک اندازه هموار نباشد.

علاوه بر این، تغییرات سریع در شیوه های تدریس و انتظارات آموزشی در سال های اخیر، ضرورت بازنگری در شناسایی مشکلات یادگیری را بیش از پیش نمایان کرده است. بسیاری از معلمان و والدین در مواجهه با دانش آموزانی که دچار اختلالات یادگیری یا افت پیشرفت هستند، فاقد ابزارهای مداخله ای زود هنگام و اثربخش هستند. نادیده گرفتن این چالش ها در پایه های اول تا سوم، اغلب باعث می شود مشکلات ساده ای که با راهکارهای آموزشی کوچک قابل حل بودند، به گره های کور تحصیلی در پایه های بالاتر تبدیل شوند.

با توجه به اهمیت راهبردی این دوره، مقاله حاضر با هدف واکاوی چالش های عمده یادگیری در پایه های اول تا سوم ابتدایی تدوین شده است. در این پژوهش تلاش می شود ضمن شناسایی عوامل زمینه ساز این چالش ها، به واکاوی نقش مدرسه، خانواده و سیستم آموزشی در ایجاد یا رفع آن ها پرداخته شود. در نهایت، با تکیه بر یافته های علمی، پیشنهاداتی جهت ارتقای کیفیت یادگیری و کاهش آسیب های آموزشی در این مقطع حیاتی ارائه خواهد شد تا بتوان بستری مناسب برای رشد همه جانبه دانش آموزان فراهم آورد.

بیان مسئله

یادگیری در سال های آغازین دوره ابتدایی، به ویژه در پایه های اول تا سوم (دوره اول ابتدایی)، شالوده و بنیان موفقیت های تحصیلی و رشد فردی-اجتماعی دانش آموزان در سراسر طول زندگی است. در این دوره، کودک از محیط انعطاف پذیر خانه و پیش دبستانی وارد فضایی نظام مند و ساختار یافته می شود که در آن نیازمند فراگیری مهارت های بنیادین سوادآموزی (خواندن، نوشتن و رونویسی/املا) و مفاهیم پایه ای ریاضی است. با این حال، شواهد آموزشی و تجربیات معلمان نشان می دهد که بخش قابل توجهی از دانش آموزان در همین سال ها با موانع و چالش های جدی در فرایند یادگیری مواجه می شوند.

مسئله اصلی این است که بروز چالش های یادگیری در این سنین صرفاً یک افت تحصیلی ساده نیست؛ بلکه پدیده ای چندوجهی، پیچیده و متأثر از عوامل درونی (شناختی، عاطفی، اختلالات یادگیری خاص، نقص توجه و تمرکز) و عوامل بیرونی (شیوه های تدریس سنتی، تراکم بالای کلاس ها، ضعف در ارتباط میان فردی اولیا و معلمان، و ناآگاهی والدین از شیوه های حمایت آموزشی) است. عدم شناسایی به موقع این چالش ها موجب می شود که مشکلاتی مانند ناتوانی در رمزگشایی حروف، ضعف در درک مطلب، ناتوانی در محاسبات ابتدایی، اضطراب مدرسه و بی انگیزگی تحصیلی به تدریج تثبیت شده و به دور باطلی از ناکامی، کاهش عزت نفس و نگرش منفی نسبت به کل فرایند آموزش تبدیل گردند.

از سوی دیگر، در بسیاری از نظام های آموزشی، تفکیک دقیق میان «اختلال یادگیری خاص»، «دیرآموزی»، «عقب ماندگی آموزشی ناشی از محرومیت های محیطی» و «تفاوت های فردی در سبک های یادگیری» به موقع صورت نمی گیرد. این امر منجر به اتخاذ رویکردهای یکسان و انعطاف ناپذیر آموزشی برای تمامی دانش آموزان با نیازهای متفاوت می شود؛ رویکردی که نه تنها چالش ها را برطرف نمی کند، بلکه به تعمیق شکاف یادگیری در پایه های بالاتر دامن می زند.



بنابراین، مسئله بنیادین پژوهش حاضر این است که دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم ابتدایی با چه چالش‌های عمده‌ای در فرایند یادگیری مواجه هستند، ریشه‌ها و عوامل زمینه‌ساز این چالش‌ها چیست و چگونه می‌توان از طریق مداخلات زود هنگام و راهکارهای آموزشی و روان‌شناختی مناسب، این موانع را تعدیل و برطرف نمود؟

مبانی نظری پژوهش

۱. مفهوم یادگیری

یادگیری فرایندی نسبتاً پایدار است که در نتیجه تجربه، تمرین، آموزش و تعامل فرد با محیط در رفتار، دانش، نگرش یا مهارت‌های او ایجاد می‌شود. یادگیری تنها به حفظ کردن مطالب محدود نیست، بلکه فرایندی فعال است که در آن دانش‌آموز اطلاعات جدید را دریافت، پردازش، سازمان‌دهی و با آموخته‌های قبلی خود مرتبط می‌کند. در دوره ابتدایی، یادگیری علاوه بر جنبه شناختی، با رشد عاطفی، اجتماعی، حرکتی و زبانی دانش‌آموز نیز ارتباط دارد.

دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم ابتدایی در مرحله‌ای قرار دارند که بخش مهمی از توانایی‌های پایه آنان، مانند خواندن، نوشتن، محاسبه، گوش دادن، سخن گفتن و حل مسئله شکل می‌گیرد. ضعف در هر یک از این مهارت‌ها می‌تواند بر سایر زمینه‌های یادگیری اثر بگذارد. برای مثال، ضعف در مهارت خواندن ممکن است موجب کاهش توانایی دانش‌آموز در درک مسائل ریاضی یا فهم دستورالعمل‌های آموزشی شود.

۲. ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم

دانش‌آموزان این دوره از نظر رشد شناختی، عاطفی، زبانی و اجتماعی در مرحله‌ای حساس قرار دارند. آنان به آموزش عینی، فعالیت‌های عملی، تکرار، بازی، تصویر و تجربه مستقیم نیاز بیشتری دارند. توانایی تفکر آنان به تدریج از حالت شهودی به تفکر منطقی و عینی پیشرفت می‌کند؛ بنابراین، آموزش مفاهیم انتزاعی بدون استفاده از مثال‌ها و ابزارهای ملموس می‌تواند برای آنان دشوار باشد.

از نظر عاطفی، تشویق، توجه و حمایت معلم و والدین نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش دانش‌آموز نسبت به مدرسه و یادگیری دارد. تجربه شکست مکرر، مقایسه شدن با دیگران یا دریافت بازخوردهای منفی می‌تواند اعتماد به نفس و انگیزه دانش‌آموز را کاهش دهد. در مقابل، فراهم کردن محیطی امن، حمایتگر و متناسب با نیازهای کودک، زمینه مشارکت فعال او را در فرایند یادگیری فراهم می‌کند.

۳. نظریه رفتارگرایی

بر اساس دیدگاه رفتارگرایی، یادگیری در نتیجه ایجاد ارتباط میان محرک و پاسخ و همچنین پیامدهای رفتار شکل می‌گیرد. در این نظریه، تقویت و بازخورد نقش مهمی در تثبیت رفتارهای مطلوب دارند. زمانی که دانش‌آموز به دلیل تلاش، پاسخ درست یا پیشرفت خود مورد تشویق قرار می‌گیرد، احتمال تکرار رفتار مطلوب افزایش می‌یابد.

در پایه‌های اول تا سوم، استفاده مناسب از تقویت می‌تواند در ایجاد عادت‌های آموزشی مطلوب، افزایش مشارکت کلاسی، تقویت مهارت‌های خواندن و نوشتن و کاهش رفتارهای اجتنابی مؤثر باشد. البته تقویت نباید تنها به پاداش‌های مادی محدود شود؛ بلکه تحسین کلامی، توجه معلم، نمایش کار دانش‌آموز و احساس موفقیت نیز از تقویت‌کننده‌های مهم به شمار می‌روند.

۴. نظریه شناختی

نظریه شناختی بر نقش فرایندهای ذهنی در یادگیری تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه، دانش‌آموز موجودی فعال است که اطلاعات را دریافت و از طریق فرایندهایی مانند توجه، ادراک، حافظه، تفندها می‌تواند یاد پردازش می‌کند. بنابراین، هرگونه ضعف در این فرایندها می‌تواند یادگیری را با مشکل مواجه سازد.



توجه و تمرکز از پیش‌نیازهای اساسی یادگیری هستند. دانش‌آموزی که نمی‌تواند برای مدت کافی بر فعالیت آموزشی تمرکز کند، ممکن است در یادگیری حروف، کلمات، دستورالعمل‌ها یا مفاهیم عددی با مشکل روبه‌رو شود. همچنین، ضعف حافظه دیداری یا شنیداری می‌تواند یادآوری شکل حروف، ترتیب کلمات، صداها و مراحل انجام فعالیت‌ها را دشوار کند.

۵. نظریه رشد شناختی پیاژه

بر اساس نظریه پیاژه، کودکان پایه‌های اول تا سوم ابتدایی عمدتاً در مرحله عملیات عینی قرار دارند. در این مرحله، کودک می‌تواند درباره اشیای واقعی و موقعیت‌های ملموس به‌صورت منطقی فکر کند، اما درک مفاهیم کاملاً انتزاعی برای او هنوز دشوار است. از این رو، آموزش در این دوره باید بر استفاده از اشیاء، تصاویر، فعالیت‌های عملی، بازی‌های آموزشی و موقعیت‌های واقعی استوار باشد.

برای مثال، آموزش مفهوم جمع و تفریق با استفاده از مهره، چوب‌خط یا اشیای روزمره برای دانش‌آموز قابل فهم‌تر از ارائه مستقیم نمادهای عددی است. همچنین، آموزش واژه‌ها از طریق تصویر، داستان و فعالیت‌های گفتاری می‌تواند درک و یادگیری دانش‌آموز را افزایش دهد. ناهماهنگی میان سطح رشد شناختی کودک و روش تدریس، یکی از عوامل ایجاد دشواری‌های یادگیری محسوب می‌شود.

۶. نظریه اجتماعی - فرهنگی ویگوتسکی

ویگوتسکی یادگیری را فرایندی اجتماعی می‌داند که در تعامل با معلم، والدین و همسالان شکل می‌گیرد. یکی از مفاهیم مهم در این نظریه، «منطقه تقریبی رشد» است. این مفهوم به فاصله میان سطح توانایی فعلی دانش‌آموز و سطحی اشاره دارد که او با کمک فردی آگاه‌تر می‌تواند به آن دست یابد.

در این چارچوب، معلم باید با ارائه راهنمایی، پرسش، الگو، بازخورد و کمک تدریجی، دانش‌آموز را در انجام فعالیت‌ها حمایت کند. با افزایش توانایی دانش‌آموز، میزان کمک نیز باید کاهش یابد تا او به استقلال برسد. همکاری گروهی، آموزش همسالان و گفت‌وگو در کلاس نیز می‌تواند به رشد مهارت‌های زبانی و شناختی دانش‌آموزان کمک کند.

۷. نظریه یادگیری سازنده‌گرایی

در دیدگاه سازنده‌گرایی، یادگیری زمانی مؤثرتر است که دانش‌آموز در ساختن دانش خود نقش فعال داشته باشد. دانش‌آموز اطلاعات جدید را بر اساس تجربه‌ها و دانسته‌های قبلی خود تفسیر می‌کند. بنابراین، آموزش نباید فقط به انتقال مستقیم مطالب از معلم به دانش‌آموز محدود شود.

فعالیت‌های اکتشافی، حل مسئله، بازی‌های آموزشی، کار گروهی و استفاده از تجربه‌های روزمره، نمونه‌هایی از روش‌های سازنده‌گرا هستند. این روش‌ها به دانش‌آموز کمک می‌کنند تا مفاهیم را عمیق‌تر درک کند و آموخته‌های خود را در موقعیت‌های مختلف به کار ببرد. در پایه‌های اول تا سوم، یادگیری فعال و تجربه‌محور می‌تواند از یکنواختی آموزش و کاهش انگیزه جلوگیری کند.

۸. نظریه یادگیری معنادار

بر اساس نظریه یادگیری معنادار، مطالب جدید زمانی بهتر آموخته می‌شوند که با دانش و تجربه‌های قبلی دانش‌آموز ارتباط پیدا کنند. اگر محتوای آموزشی برای کودک بی‌معنا یا جدا از زندگی روزمره او باشد، احتمال فراموشی و یادگیری سطحی افزایش می‌یابد.

برای مثال، آموزش مفهوم اندازه‌گیری از طریق اندازه‌گیری میز، مداد یا قد دانش‌آموزان، نسبت به ارائه صرفاً نظری آن، یادگیری معنادارتری ایجاد می‌کند. همچنین، استفاده از داستان‌ها و موقعیت‌های آشنا در آموزش خواندن و نوشتن می‌تواند ارتباط میان محتوای درسی و زندگی واقعی دانش‌آموز را تقویت کند.

۹. مفهوم مشکلات و چالش‌های یادگیری

چالش‌های یادگیری به مجموعه موانعی گفته می‌شود که روند کسب دانش، مهارت و توانایی‌های آموزشی را برای دانش‌آموز دشوار می‌کند. این چالش‌ها ممکن است موقتی یا پایدار باشند و از عوامل مختلفی مانند ویژگی‌های فردی، شرایط خانوادگی، محیط مدرسه، روش تدریس و مشکلات جسمی یا روان‌شناختی ناشی شوند.

مهم‌ترین چالش‌های یادگیری در پایه‌های اول تا سوم عبارت‌اند از:

- ضعف در تشخیص و ترکیب صداها و حروف؛
- دشواری در روان‌خوانی و درک مطلب؛
- اشتباه‌های مکرر در نوشتن و املا؛
- ضعف در هماهنگی چشم و دست و مهارت‌های حرکتی ظریف؛
- مشکل در شمارش، شناخت اعداد و انجام محاسبات ساده؛
- ضعف در توجه، تمرکز و حافظه؛
- اضطراب، کمبود اعتمادبه‌نفس و ترس از اشتباه؛
- بی‌انگیزگی و مشارکت کم در فعالیت‌های آموزشی؛
- دشواری در برقراری ارتباط با معلم و همکلاسی‌ها.

۱۰. اختلالات یادگیری خاص

اختلالات یادگیری خاص به مشکلاتی اطلاق می‌شود که در آن دانش‌آموز با وجود برخورداری از فرصت مناسب آموزشی و توانایی کلی قابل قبول، در کسب مهارت‌های مشخصی مانند خواندن، نوشتن یا ریاضی با دشواری قابل توجه مواجه است. نارساخوانی، نارسانویسی و اختلال در یادگیری ریاضی از نمونه‌های شناخته‌شده این مشکلات هستند.

باید توجه داشت که هر نوع ضعف درسی لزوماً به معنای وجود اختلال یادگیری نیست. عواملی مانند غیبت از مدرسه، آموزش نامناسب، مشکلات خانوادگی، ضعف بینایی یا شنوایی، اضطراب و محرومیت آموزشی نیز می‌توانند موجب افت تحصیلی شوند. از این‌رو، تشخیص اختلال یادگیری باید توسط افراد متخصص و با استفاده از ارزیابی‌های دقیق انجام گیرد.

۱۱. نقش توجه، حافظه و انگیزش در یادگیری

توجه، حافظه و انگیزش سه عامل مهم در یادگیری دانش‌آموزان هستند. توجه به دانش‌آموز امکان می‌دهد اطلاعات مهم را انتخاب و پردازش کند. حافظه نیز در نگهداری و بازیابی مطالب نقش دارد. انگیزش سبب می‌شود دانش‌آموز برای آغاز و ادامه فعالیت‌های آموزشی تلاش کند.

کاهش انگیزه ممکن است به دلیل دشواری بیش از حد تکالیف، تجربه شکست، مقایسه شدن با همسالان، روش تدریس یکنواخت یا نبود احساس موفقیت ایجاد شود. طراحی فعالیت‌های متناسب با توانایی دانش‌آموز، ارائه بازخورد مثبت و ایجاد فرصت برای تجربه موفقیت می‌تواند انگیزه یادگیری را افزایش دهد.

۱۲. نقش خانواده و مدرسه

خانواده و مدرسه دو محیط اصلی رشد و یادگیری کودک هستند. حمایت عاطفی والدین، فراهم کردن فضای مناسب مطالعه، پیگیری تکالیف و ارتباط مستمر با معلم می‌تواند به پیشرفت دانش‌آموز کمک کند. در مقابل، فشار بیش از حد، مقایسه با دیگران، بی‌توجهی یا انتظارهای غیرواقع‌بینانه ممکن است مشکلات یادگیری را تشدید کند.

مدرسه نیز با بهره‌گیری از معلمان توانمند، روش‌های تدریس متنوع، کلاس مناسب، ارزشیابی مستمر و برنامه‌های جبرانی می‌تواند در کاهش چالش‌های یادگیری نقش داشته باشد. همکاری میان معلم، والدین، مشاور و متخصصان، امکان شناسایی دقیق‌تر مشکلات و طراحی برنامه مداخله‌ای مناسب را فراهم می‌کند.

۱۳. اهمیت تشخیص و مداخله زودهنگام

تشخیص زودهنگام مشکلات یادگیری از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا در سال‌های نخست، مهارت‌های پایه هنوز در حال شکل‌گیری هستند و امکان اصلاح و تقویت آن‌ها بیشتر است. اگر مشکلات خواندن، نوشتن، ریاضی یا توجه به‌موقع شناسایی شوند، می‌توان با استفاده از آموزش فردی، تمرین‌های هدفمند، فعالیت‌های چندحسی و حمایت روانی - عاطفی از گسترش آن‌ها جلوگیری کرد.

مداخله زودهنگام علاوه بر بهبود عملکرد تحصیلی، می‌تواند از پیامدهایی مانند کاهش اعتمادبه‌نفس، اضطراب مدرسه، انزوا، بی‌انگیزگی و نگرش منفی نسبت به یادگیری پیشگیری کند.

جمع‌بندی مبانی نظری

بر اساس مباحث مطرح‌شده، یادگیری دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم ابتدایی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل شناختی، عاطفی، اجتماعی، خانوادگی و آموزشی قرار دارد. نظریه‌های رفتارگرایی، شناختی، رشد شناختی، اجتماعی - فرهنگی و سازنده‌گرایی هر یک بخشی از فرایند یادگیری و عوامل مؤثر بر آن را توضیح می‌دهند. بر این اساس، چالش‌های یادگیری را نمی‌توان تنها به ضعف یا کمکاری دانش‌آموز نسبت داد؛ بلکه باید تعامل میان ویژگی‌های فردی، روش تدریس، محیط مدرسه و شرایط خانواده را مورد توجه قرار داد.

بنابراین، شناسایی تفاوت‌های فردی، استفاده از روش‌های فعال و عینی، تقویت انگیزه، ارائه حمایت‌های مناسب، ارزشیابی مستمر و مداخله زودهنگام می‌تواند نقش مهمی در کاهش مشکلات یادگیری و افزایش موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان این دوره داشته باشد.

پیشینه پژوهش

۱. پیشینه نظری و تجربی موضوع

چالش‌های یادگیری در سال‌های نخست ابتدایی از موضوعات مهم در حوزه روان‌شناسی تربیتی و آموزش ابتدایی است. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که سال‌های اول مدرسه، به‌ویژه پایه‌های اول تا سوم، دوره‌ای حساس برای شکل‌گیری مهارت‌های پایه خواندن، نوشتن و ریاضی است. هرگونه ضعف در این مهارت‌ها، چنانچه به‌موقع شناسایی و اصلاح نشود، می‌تواند در سال‌های بعد به افت تحصیلی، کاهش انگیزه و شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به مدرسه منجر شود.

بررسی مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که چالش‌های یادگیری معمولاً نتیجه یک عامل واحد نیستند، بلکه از تعامل عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی شکل می‌گیرند. ویژگی‌هایی مانند سطح رشد شناختی، توانایی زبانی، توجه و تمرکز، حافظه، انگیزش و مهارت‌های حرکتی ظریف از جمله عوامل فردی مؤثر بر یادگیری هستند. در کنار این عوامل، کیفیت آموزش، شیوه تعامل معلم با دانش‌آموز، تعداد دانش‌آموزان کلاس، امکانات آموزشی و میزان همکاری خانواده با مدرسه نیز اهمیت زیادی دارد.

۲. پژوهش های مرتبط با مشکلات خواندن

بخش قابل توجهی از پژوهش ها به بررسی مشکلات دانش آموزان در زمینه اختصاص یافته است. نتایج این مطالعات نشان می دهد که ضعف در آگاهی واج شناختی، تشخیص حروف، ترکیب صداها، سرعت خواندن و درک مطلب، از مهمترین مشکلات دانش آموزان سال های نخست ابتدایی است. برخی دانش آموزان در تشخیص صداها، مشابه، ارتباط دادن صدا و نشانه نوشتاری، خواندن کلمات جدید و حفظ توالی حروف با دشواری مواجه می شوند.

پژوهش ها همچنین نشان داده اند که آموزش تصویر، بازی های زبانی و تمر واج شناختی، استفاده از داستان، تصویر، بازی های زبانی و تمرین های چندحسی می تواند به بهبود عملکرد خواندن کمک کند. دانش آموزانی که در سال اول ابتدایی در زمینه خواندن ضعف دارند، در صورت دریافت نکردن حمایت آموزشی مناسب، ممکن است در درک متون درسی سایر پایه ها نیز با مشکل مواجه شوند.

۳. پژوهش های مرتبط با مشکلات نوشتن و املا

ناتوانی در نوشتن صحیح حروف و کلمات، بی دقتی در رعایت فاصله میان کلمات، وارونه نویسی، حذف یا جابه جایی حروف و ضعف در هماهنگی چشم و دست، از مشکلات رایج برخی دانش آموزان دوره اول ابتدایی است. یافته های پژوهشی نشان می دهد که مهارت نوشتن به عوامل مختلفی از جمله رشد حرکتی ظریف، هماهنگی دیداری - حرکتی، حافظه دیداری، دقت، توجه و آموزش مناسب وابسته است.

بر اساس نتایج مطالعات، تمرین های تقویت عضلات ظریف دست، استفاده از الگوهای نوشتاری، فعالیت های ترسیمی، آموزش مرحله به مرحله حروف و کلمات و ارائه بازخورد اصلاحی می تواند در بهبود مهارت نوشتن مؤثر باشد. همچنین، تأکید بیش از حد بر سرعت و زیبایی خط، بدون توجه به سطح رشد دانش آموز، ممکن است اضطراب و بی علاقه ای او را افزایش دهد.

۴. پژوهش های مرتبط با یادگیری ریاضی

یادگیری مفاهیم پایه ریاضی از دیگر زمینه های مهم مطالعات مربوط به دانش آموزان پایه های اول تا سوم است. برخی از دانش آموزان در شناخت اعداد، شمارش، درک مفهوم کمیت، مقایسه اعداد، انجام جمع و تفریق، تشخیص ارزش مکانی و حل مسائل کلامی مشکل دارند.

پژوهش ها نشان داده اند که آموزش مفاهیم ریاضی با استفاده از اشیای واقعی، ابزارهای کمک آموزشی، بازی، تصویر و موقعیت های روزمره، درک دانش آموزان را افزایش می دهد. همچنین، مشکلات زبانی می تواند بر عملکرد دانش آموز در حل مسائل ریاضی اثر بگذارد؛ زیرا حل مسئله نیازمند فهم دقیق واژه ها و دستورالعمل ها است. بنابراین، آموزش ریاضی باید علاوه بر مهارت محاسبه، بر درک مفهومی و توانایی توضیح دادن مراحل حل مسئله نیز تأکید داشته باشد.

۵. پژوهش های مرتبط با توجه و تمرکز

بخشی از مطالعات، نقش توجه و تمرکز را در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بررسی کرده اند. نتایج این پژوهش ها نشان می دهد دانش آموزانی که در حفظ توجه، دنبال کردن دستورالعمل ها، تکمیل فعالیت ها و کنترل رفتار خود مشکل دارند، معمولاً در یادگیری مهارت های پایه نیز عملکرد ضعیف تری نشان می دهند.

عوامل مختلفی مانند خستگی، خواب ناکافی، اضطراب، محیط نامناسب کلاس، تکالیف یکنواخت، مشکلات خانوادگی و برخی اختلالات رشدی می توانند بر میزان توجه دانش آموز اثر بگذارند. استفاده از فعالیت های کوتاه و متنوع، وقفه های حرکتی، بازی های تمرکزی، کاهش عوامل حواس پرتی و ارائه دستورالعمل های ساده و مرحله ای از جمله راهکارهایی است که در پژوهش ها برای افزایش توجه دانش آموزان پیشنهاد شده است.

۶. پژوهش های مرتبط با انگیزش و عوامل عاطفی

یافته های پژوهشی نشان می دهد که انگیزش، اعتماد به نفس و احساس شایستگی نقش مهمی در یادگیری دانش آموزان دارند. دانش آموزانی که به طور مکرر شکست را تجربه می کنند یا از سوی والدین و معلم با دیگران مقایسه می شوند، ممکن است به تدریج احساس ناتوانی، اضطراب و بی علاقه ای نسبت به فعالیت های آموزشی پیدا کنند.

مطالعات بر اهمیت بازخورد مثبت، توجه به پیشرفت فردی، ایجاد فرصت موفقیت و پرهیز از برچسب زنی تأکید دارند. حمایت عاطفی معلم و ایجاد محیطی امن در کلاس سبب می شود دانش آموز از اشتباه کردن نترسد و در فعالیت های آموزشی مشارکت بیشتری داشته باشد.

۷. پژوهش های مرتبط با نقش خانواده

بررسی های انجام شده نشان می دهد که شرایط خانواده و سبک تعامل والدین با کودک می تواند بر یادگیری او اثرگذار باشد. سطح سواد والدین، امکانات آموزشی، میزان مطالعه در خانه، پیگیری تکالیف، کیفیت ارتباط عاطفی و انتظارات والدین از جمله عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی هستند.

حمایت خانوادگی زمانی اثربخش است که با توانایی و نیازهای کودک هماهنگ باشد. کمک بیش از حد به انجام تکالیف، فشار برای کسب نمره بالا، مقایسه با همسالان یا تنبیه به دلیل اشتباه، ممکن است اضطراب کودک را افزایش دهد. در مقابل، ایجاد برنامه منظم، تشویق تلاش، مطالعه مشترک و ارتباط سازنده با معلم می تواند به بهبود عملکرد دانش آموز کمک کند.

۸. پژوهش های مرتبط با روش های تدریس

پژوهش های آموزشی بر این نکته تأکید دارند که روش تدریس معلم تأثیر مستقیمی بر میزان مشارکت و یادگیری دانش آموزان دارد. روش های فعال، مشارکتی، بازی محور و چندحسی معمولاً در مقایسه با روش های صرفاً سخنرانی و حافظه محور، تأثیر بیشتری بر یادگیری دانش آموزان دوره اول ابتدایی دارند.

در روش های چندحسی، دانش آموز از حواس مختلف مانند دیدن، شنیدن، لمس کردن و حرکت کردن برای یادگیری استفاده می کند. این روش به ویژه برای آموزش حروف، کلمات، اعداد و مفاهیم پایه مناسب است. همچنین، ارزشیابی تکوینی و مستمر به معلم کمک می کند تا مشکلات دانش آموز را پیش از تثبیت شدن شناسایی کرده و آموزش را متناسب با نیازهای او تغییر دهد.

۹. پژوهش های مرتبط با تشخیص و مداخله زودهنگام

مطالعات متعدد نشان داده اند که تشخیص زودهنگام مشکلات یادگیری می تواند از تشدید مشکلات تحصیلی و عاطفی جلوگیری کند. شناسایی دانش آموزان دارای مشکل در خواندن، نوشتن، ریاضی یا توجه باید از طریق مشاهده معلم، بررسی عملکرد کلاسی، گفت و گو با والدین و در صورت نیاز ارزیابی تخصصی انجام شود.

مداخلات زودهنگام معمولاً شامل آموزش فردی یا گروهی، تمرین های هدفمند، استفاده از مواد آموزشی مناسب، تکرار و مرور، آموزش مهارت های پیش نیاز و حمایت روانی - عاطفی است. نتایج پژوهش ها نشان می دهد که مداخلات منظم و مستمر، در مقایسه با اقدامات پراکنده و کوتاه مدت، تأثیر بیشتری بر پیشرفت دانش آموزان دارد نشان #### ۱۰. جمع بندی پیشینه پژوهش



مرور پژوهش های پیشین نشان می دهد که چالش های یادگیری در پایه های اول تا سوم ابتدایی در زمینه هایی مانند خواندن، نوشتن، املا، ریاضی، توجه، تمرکز و انگیزش بروز می کنند. این چالش ها تحت تأثیر تعامل عوامل فردی، خانوادگی و مدرسه ای قرار دارند و نمی توان آن ها را صرفاً به کمکاری یا ضعف دانش آموز نسبت داد.

همچنین، یافته های پژوهشی بر اهمیت آموزش متناسب با سطح رشد کودک، استفاده از روش های فعال و چندحسی، توجه به تفاوت های فردی، همکاری خانواده و مدرسه و تشخیص و مداخله زودهنگام تأکید دارند. با وجود انجام پژوهش های مختلف، بررسی همزمان چالش های شناختی، عاطفی، آموزشی و خانوادگی در پایه های اول تا سوم همچنان اهمیت دارد. از این رو، پژوهش حاضر می کوشد با نگاهی جامع، مهم ترین چالش های یادگیری دانش آموزان این دوره و عوامل مؤثر بر آن ها را بررسی کند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

پایه های اول تا سوم ابتدایی از مهم ترین و حساس ترین مراحل تحصیلی در زندگی هر کودک به شمار می آیند؛ زیرا در این دوره، شالوده مهارت های اساسی مانند خواندن، نوشتن، درک مطلب، شمارش، حل مسئله و شکل گیری نگرش مثبت نسبت به یادگیری بنا می شود. موفقیت یا ناکامی دانش آموز در این سال ها، تأثیری مستقیم و بلندمدت بر عملکرد تحصیلی او در پایه های بالاتر دارد. از این رو، شناسایی چالش های یادگیری در این مقطع، نه تنها برای بهبود وضعیت آموزشی دانش آموزان ضروری است، بلکه می تواند از بروز مشکلات پیچیده تر در آینده نیز پیشگیری کند.

یکی از دلایل اصلی اهمیت این پژوهش آن است که بسیاری از مشکلات یادگیری در سال های نخست ابتدایی، اگر به موقع تشخیص داده نشوند، به تدریج تثبیت شده و به افت تحصیلی، کاهش اعتماد به نفس، اضطراب مدرسه، بی انگیزگی و حتی طرد شدن از فضای آموزشی منجر می شوند. در حالی که در صورت شناسایی زودهنگام، بسیاری از این مشکلات با مداخله های ساده آموزشی، حمایت عاطفی و همکاری مدرسه و خانواده قابل کاهش یا اصلاح هستند. بنابراین، پژوهش حاضر می تواند به اهمیت تشخیص به هنگام و مداخله مؤثر در مشکلات یادگیری اشاره کند.

از سوی دیگر، تنوع بالای ویژگی های فردی دانش آموزان در این سنین، ضرورت توجه به تفاوت های فردی را دوچندان می کند. همه کودکان با سرعت، سبک و توانایی یکسان یاد نمی گیرند و استفاده از روش های آموزشی یکنواخت ممکن است برای بخشی از آنان ناکارآمد باشد. بررسی چالش های یادگیری در پایه های اول تا سوم می تواند به معلمان کمک کند تا روش های تدریس خود را متناسب با نیازها، علایق و سطح رشد دانش آموزان تنظیم کنند و از شیوه های فعال، بازی محور و چندحسی بهره ببرند.

همچنین، این پژوهش از آن جهت ضروری است که می تواند نقش عوامل محیطی مانند خانواده، مدرسه، معلم، امکانات آموزشی و شرایط روانی کودک را در ایجاد یا تشدید مشکلات یادگیری روشن سازد. بسیاری از چالش های تحصیلی تنها ناشی از توانایی های فردی کودک نیستند، بلکه از شرایط نامناسب آموزشی، فشارهای خانوادگی، نبود حمایت عاطفی، یا ضعف در تعامل میان خانه و مدرسه ناشی می شوند. در نتیجه، بررسی این عوامل به ارائه راهکارهای جامع و واقع بینانه برای بهبود فرایند یادگیری کمک خواهد کرد.

از منظر کاربردی نیز نتایج این پژوهش می تواند برای معلمان، مدیران مدارس، مشاوران تربیتی، والدین و برنامه ریزان آموزشی سودمند باشد. معلمان با آگاهی از انواع چالش های یادگیری می توانند مداخله های مناسب تری طراحی کنند؛ والدین می توانند شیوه های حمایت از فرزند خود را اصلاح کنند؛ و برنامه ریزان آموزشی نیز می توانند در طراحی محتوای درسی، ارزشیابی و برنامه های جبرانی، نیازهای واقعی دانش آموزان را بهتر در نظر بگیرند.

در مجموع، ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می شود که یادگیری موفق در پایه های اول تا سوم، زیربنای پیشرفت تحصیلی و رشد همه جانبه دانش آموز است و هرگونه غفلت از چالش های این دوره، می تواند پیامدهای بلندمدتی در پی داشته باشد. بنابراین، بررسی علمی این موضوع زمینه ساز ارتقای کیفیت آموزش ابتدایی، کاهش مشکلات یادگیری و تقویت فرصت های موفقیت برای همه دانش آموزان خواهد بود.

اهداف پژوهش

هدف اصلی (کلی)

- بررسی و شناسایی جامع چالش های یادگیری دانش آموزان در پایه های اول تا سوم ابتدایی و واکاوی عوامل فردی، آموزشی و خانوادگی مؤثر بر آن ها جهت ارائه راهکارهای مداخله ای و کاربردی.

اهداف فرعی (ویژه)

۱. شناسایی و دسته بندی شایع ترین چالش های شناختی و تحصیلی دانش آموزان در مهارت های پایه (خواندن، نوشتن/املا، و محاسبات ریاضی) در پایه های اول تا سوم ابتدایی.
۲. بررسی چالش های عاطفی، رفتاری و انگیزشی (مانند اضطراب، کمبود توجه و تمرکز، و بی علاقه ای تحصیلی) اثرگذار بر یادگیری دانش آموزان این مقطع.
۳. بررسی نقش و کیفیت روش های تدریس، مهارت های حرفه ای معلمان و محتوای آموزشی در شکل گیری یا تشدید چالش های یادگیری.
۴. بررسی تأثیر عوامل خانوادگی و محیطی (شامل سبک فرزندپروری، میزان حمایت آموزشی، سواد والدین و تعامل خانه با مدرسه) بر یادگیری دانش آموزان.
۵. ارائه راهکارهای آموزشی، مشاوره ای و سیاستی مبتنی بر یافته ها به منظور تشخیص زودهنگام و کاهش چالش های یادگیری در دوره اول ابتدایی.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی

- مهم ترین چالش های یادگیری دانش آموزان در پایه های اول تا سوم ابتدایی کدام اند و چه عواملی در شکل گیری و تشدید آن ها نقش دارند؟

سؤالات فرعی

۱. دانش آموزان پایه های اول تا سوم ابتدایی در یادگیری مهارت های پایه (خواندن، نوشتن و ریاضیات) با چه چالش ها و موانع شناختی عمده ای مواجه هستند؟
۲. موانع و چالش های عاطفی، رفتاری و انگیزشی (نظیر اضطراب مدرسه، نقص توجه و افت خودکارآمدی) چه تأثیری بر فرایند یادگیری دانش آموزان این دوره دارند؟
۳. شیوه های تدریس معلمان، ابزارهای کمک آموزشی و مدیریت کلاس تا چه میزان بر بروز یا کاهش چالش های یادگیری اثرگذارند؟
۴. عوامل خانوادگی و میزان تعامل اولیا با مدرسه چگونه روند یادگیری و سازگاری تحصیلی دانش آموزان پایه اول تا سوم را تحت تأثیر قرار می دهند؟

۵. چه راهکارها و برنامه‌های مداخله‌ای زود هنگامی برای بهبود وضعیت یادگیری و پیشگیری از تثبیت مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان در این پایه‌ها وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

۱. طرح و روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی و از نظر ماهیت و روش گردآوری و تحلیل اطلاعات، از نوع توصیفی - تحلیلی (اسنادی/کتابخانه‌ای) است. در این روش، با تکیه بر بررسی نظام‌مند ادبیات موضوع، دیدگاه‌های صاحب‌نظران علوم تربیتی و روان‌شناسی و نتایج پژوهش‌های پیشین، چالش‌های یادگیری دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم ابتدایی در ابعاد شناختی، عاطفی، آموزشی و خانوادگی واکاوی و طبقه‌بندی شده است.

۲. جامعه، منابع و دامنه پژوهش

جامعه پژوهش در این مطالعه شامل کلیه اسناد، مدارک، کتاب‌ها، مقاله‌های علمی - پژوهشی (داخلی و بین‌المللی)، گزارش‌های تخصصی آموزش و پرورش و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع اختلالات و چالش‌های یادگیری در دوره اول ابتدایی است.

- پایگاه‌های اطلاعاتی مورد استفاده: پایگاه‌های علمی داخلی (نظیر SID، Magiran، Noormags و ایران‌داک) و پایگاه‌های معتبر بین‌المللی (نظیر ScienceDirect، ERIC، Google Scholar و Springer).
- معیارهای ورود منابع: ارتباط مستقیم با سنین ۶ تا ۹ سال (پایه‌های اول تا سوم)، تمرکز بر مهارت‌های پایه (خواندن، نوشتن، ریاضیات و توجه/تمرکز)، و انتشار در مجلات و منابع معتبر داوری‌شده.
- معیارهای خروج منابع: مطالعات فاقد مستندات روش‌شناختی معتبر، پژوهش‌های متمرکز صرف بر پایه‌های بالاتر، و متون غیر علمی و نامرتب با حوزه تعلیم و تربیت ابتدایی.

۳. ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، فیش‌برداری اسنادی (کتابخانه‌ای) و جست‌وجوی هدفمند مبتنی بر کلیدواژه‌های تخصصی بوده است. برای این منظور، با استفاده از واژگان کلیدی نظیر «چالش‌های یادگیری»، «دوره اول ابتدایی»، «نارساخوانی»، «نارسا نویسی»، «اختلال در ریاضیات»، «توجه و تمرکز در کودکان» و «نقش خانواده و روش تدریس»، منابع مرتبط بازاریابی، استخراج و در محورهای موضوعی معین دسته‌بندی گردیدند.

۴. روش تحلیل داده‌ها

داده‌های استخراج‌شده از منابع با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و دسته‌بندی مضمونی (تماتیک) مورد پردازش و سنتز قرار گرفت. در این فرایند:

۱. مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با مشکلات تحصیلی و یادگیری استخراج و کدگذاری شدند؛
۲. کدها در مضامین اصلی (چالش‌های شناختی-مهارتی، عوامل فردی-انگیزشی، عوامل آموزشی-پداگوژیک، و شرایط محیطی-خانوادگی) سازمان‌دهی شدند؛
۳. روابط میان این عوامل و پیامدهای آن‌ها بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تحلیل و تبیین شد.

۵. ملاحظات روش‌شناختی و اعتبار پژوهش

به‌منظور تضمین روایی، پایایی و استحکام نتایج:



- **تثلیث منابع (Triangulation):** برای پرهیز از سوگیری، از تلفیق نظریه‌ها، مدل‌های گوناگون یادگیری و یافته‌های پژوهش‌های میدانی و کیفی متعدد استفاده شد.
- **امانت‌داری علمی:** اصل استناد دقیق و وفاداری به مفاهیم مطرح‌شده در منابع اصلی به‌طور کامل رعایت گردید.

یافته‌های پژوهش

بر اساس بررسی و تحلیل منابع نظری و پژوهش‌های پیشین درباره چالش‌های یادگیری در پایه‌های اول تا سوم ابتدایی، نتایج نشان می‌دهد که مشکلات یادگیری در این دوره، پدیده‌ای چندعاملی و چندبعدی است و نمی‌توان آن را صرفاً به ضعف فردی دانش‌آموز نسبت داد. یافته‌ها حاکی از آن است که مهم‌ترین چالش‌ها در سه حوزه اصلی **شناختی - مهارتی، عاطفی - رفتاری و آموزشی - محیطی** قابل طبقه‌بندی هستند.

۱. چالش‌های شناختی و مهارتی

یکی از مهم‌ترین یافته‌ها این است که بسیاری از دانش‌آموزان در سال‌های نخست ابتدایی با ضعف در مهارت‌های پایه مانند **خواندن، نوشتن، املا و ریاضیات** مواجه‌اند. در حوزه خواندن، دشواری در تشخیص حروف، ترکیب صداها، روان‌خوانی و درک مطلب مشاهده می‌شود. در حوزه نوشتن نیز مسائلی مانند وارونه‌نویسی، حذف یا جابه‌جایی حروف، بی‌نظمی در فاصله‌گذاری و ضعف در هماهنگی چشم و دست از مشکلات رایج هستند. در ریاضیات نیز برخی دانش‌آموزان در شناخت اعداد، شمارش، درک کمیت، جمع و تفریق ساده و حل مسائل کلامی با مشکل روبه‌رو می‌شوند.

۲. چالش‌های عاطفی و رفتاری

یافته‌ها نشان می‌دهد که اضطراب، کاهش اعتمادبه‌نفس، ترس از اشتباه، بی‌انگیزگی و نداشتن احساس شایستگی از موانع مهم یادگیری در این مقطع هستند. دانش‌آموزانی که تجربه شکست‌های مکرر دارند یا از سوی معلم و والدین تحت فشار قرار می‌گیرند، معمولاً در فعالیت‌های آموزشی مشارکت کمتری نشان می‌دهند. همچنین، ضعف در توجه و تمرکز، بی‌قراری، حواس‌پرتی و ناتوانی در پیگیری دستورالعمل‌ها از جمله عواملی هستند که روند یادگیری را مختل می‌کنند.

۳. نقش روش‌های تدریس و محیط آموزشی

از دیگر یافته‌های مهم این است که روش‌های تدریس **یکنواخت، غیرفعال و حافظه‌محور** برای بسیاری از دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم کارآمد نیست. پایه‌های اول تا سوم کارآمد نیست پایه‌های اول تا سوم کارآمد نیست. در مقابل، روش‌های فعال، و مبتنی بر تجربه عملی، تأثیر بیشتری در یادگیری دارند. همچنین، ارزشیابی مستمر، بازخورد مثبت، تقسیم تکالیف به مراحل کوچک‌اند.

۴. فردی از عوامل مؤثر در کاهش مشکلات یادگیری شناخته شده‌اند.

۴. نقش خانواده

یافته‌ها نشان می‌دهد که خانواده نقش بسیار مهمی در کیفیت یادگیری دارد. میزان سواد والدین، نوع حمایت آموزشی، پیگیری تکالیف، نظم در خانه، و کیفیت ارتباط عاطفی با کودک بر پیشرفت تحصیلی تأثیر مستقیم دارند. در عین حال، فشار زیاد، مقایسه کودک با دیگران، یا بی‌توجهی به نیازهای او می‌تواند مشکلات یادگیری را تشدید کند.

۵. اهمیت تشخیص و مداخله زودهنگام

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که **شناسایی زودهنگام مشکلات یادگیری** نقش اساسی در جلوگیری از تثبیت این مشکلات دارد. هرچه مداخله در سال‌های نخست ابتدایی زودتر انجام شود، احتمال بهبود عملکرد تحصیلی، افزایش انگیزه و کاهش

پیامدهای منفی عاطفی بیشتر خواهد بود. مداخلات آموزشی فردی، استفاده از تمرین های هدفمند، آموزش چندحسی و همکاری مدرسه و خانواده از راهکارهای مؤثر در این زمینه هستند.

۶. جمع بندی یافته ها

در مجموع، یافته های پژوهش نشان می دهد که چالش های یادگیری در پایه های اول تا سوم ابتدایی ناشی از تعامل پیچیده ای از عوامل فردی، آموزشی و خانوادگی است. این چالش ها اگر به موقع شناسایی و مدیریت نشوند، می توانند به مشکلات پایدارتر در سال های بالاتر منجر شوند. بنابراین، تقویت روش های تدریس، توجه به تفاوت های فردی، حمایت خانواده و اجرای برنامه های مداخله ای زود هنگام از مهمترین راهکارهای کاهش این مشکلات به شمار می آیند.

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاضر نشان داد که یادگیری در پایه های اول و خانوادگی قرار دارد. این نتیجه با ای از عوامل شناختی، عاطفی، آموزشی و خانوادگی قرار دارد. این نتیجه با مبانی نظری یادگیری و نیز با پژوهش های پیشین همسو است؛ زیرا در سال های نخست دبستان، دانش آموزان هنوز در حال شکل دهی به مهارت های پایه ای مانند خواندن، نوشتن، شمارش و حل مسئله هستند و هرگونه ضعف در این مهارت ها می تواند بر سایر ابعاد یادگیری اثر منفی بگذارد. بنابراین، چالش های یادگیری در این دوره نباید صرفاً به عنوان افت تحصیلی ساده تلقی شوند، بلکه لازم است به عنوان نشانه ای از نیاز به حمایت آموزشی و روان شناختی مورد توجه قرار گیرند.

از مهمترین یافته های این پژوهش، وجود مشکلات گسترده در مهارت های پایه بود. دانش آموزان پایه های اول تا سوم در زمینه هایی مانند تشخیص حروف، روان خوانی، درک مطلب، نوشتن صحیح، املا و مفاهیم اولیه ریاضی با دشواری مواجه اند. این مسئله نشان می دهد که یادگیری در این سنین نیازمند آموزش مرحله به مرحله، استفاده از روش های عینی و ملموس، تکرار هدفمند و ارزشیابی مستمر است. در صورتی که آموزش با سطح رشد شناختی کودک متناسب نباشد، احتمال بروز شکست تحصیلی و کاهش انگیزه افزایش می یابد.

یافته دیگر پژوهش، نقش پررنگ عوامل عاطفی و رفتاری در یادگیری بود. اضطراب، ترس از اشتباه، حواس پرتی، بی قراری، کاهش اعتماد به نفس و نداشتن انگیزه، از جمله عواملی هستند که می توانند حتی در صورت وجود توانایی نسبی، عملکرد تحصیلی دانش آموز را تضعیف کنند. این امر نشان می دهد که معلم و والدین باید علاوه بر توجه به نتیجه یادگیری، به وضعیت هیجانی و روانی کودک نیز توجه ویژه داشته باشند. محیطی امن، تشویق کننده و بدون سرزنش می تواند زمینه ساز رشد بهتر و مشارکت فعال تر دانش آموزان باشد.

از سوی دیگر، نتایج پژوهش اهمیت روش تدریس را به خوبی نشان داد. روش های سنتی، یکسان و مبتنی بر حفظ کردن، برای بسیاری از دانش آموزان این مقطع کافی نیستند. در مقابل، آموزش فعال، بازی محور، چندحسی و مشارکتی می تواند یادگیری را عمیق تر و پایدارتر کند. این موضوع با دیدگاه های پیازه، ویگوتسکی و سازنده گرایی همخوانی دارد؛ زیرا کودک در این سن نیازمند تجربه، تعامل، مشاهده و مشارکت عملی در فرایند یادگیری است. بنابراین، بازنگری در شیوه های تدریس و آموزش معلمان یک ضرورت جدی محسوب می شود.

یافته های پژوهش همچنین نشان داد که خانواده نقش مهمی در کیفیت یادگیری دانش آموزان دارد. حمایت عاطفی والدین، پیگیری منظم تکالیف، ایجاد نظم در خانه و ارتباط مؤثر با مدرسه می تواند به پیشرفت تحصیلی کودک کمک کند. در مقابل، فشار بیش از حد، مقایسه با دیگران و بی توجهی به نیازهای کودک، مشکلات یادگیری را تشدید می کند. از این رو، آموزش والدین و افزایش آگاهی آنان نسبت به ویژگی های رشد و یادگیری کودکان، یکی از راهکارهای اساسی برای کاهش مشکلات تحصیلی است.

در مجموع، این پژوهش نشان داد که چالش های یادگیری در پایه های اول تا سوم ابتدایی، پدیده ای چندعاملی و نیازمند رویکردی جامع است. هیچ دانش آموزی را نمی توان صرفاً بر اساس عملکرد ضعیف درسی قضاوت کرد، بلکه باید



زمینه های فردی، خانوادگی و آموزشی او را نیز بررسی نمود. بنابراین، موفقیت در کاهش این چالش ها مستلزم همکاری معلم، والدین، مشاوران و سیاست گذاران آموزشی است.

نتیجه گیری نهایی

بر اساس نتایج این پژوهش می توان نتیجه گرفت که شناسایی زود هنگام چالش های یادگیری و به کارگیری مداخلات آموزشی و روان شناختی مناسب، نقش مهمی در بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه های اول تا سوم دارد. توجه به تفاوت های فردی، استفاده از روش های آموزشی متنوع، تقویت انگیزه، حمایت عاطفی، و تعامل مؤثر میان خانواده و مدرسه، از مهم ترین راهبردهای پیشنهادی برای کاهش این چالش ها هستند. در صورت اجرای این راهبردها، می توان زمینه رشد همه جانبه و موفقیت تحصیلی دانش آموزان را فراهم ساخت.



منابع فارسی :

علیزاده، ح.، دلاور، ع.، صادقیان، ز.، و شریفی، ع. (۱۴۰۱). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه تشخیصی اختلال یادگیری ویژه - فرم ویژه معلم - با نشانگرهای خواندن، نوشتن و ریاضی. *ناتوانی های یادگیری*، ۱۲ (۲)، ۶۳-۷۹.

<https://doi.org/2023.11088.2028/jld.10.22098>

ستاری شیراز، ر.، ستاری شیراز، ه.، و جعفری کلپیر، ف. (۱۴۰۳). بررسی اختلال خواندن و نوشتن در دانش آموزان دوره ابتدایی. *دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۷ (۷۳)، ۱۲-۱۶.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2226555>

افشاری، م.، قاسمی، ا.، پورسلمان، ف.، و دیانتی، آ. (۱۴۰۲). بررسی اختلال یادگیری خواندن و درمان آن در دانش آموزان دوره اول ابتدایی. در *مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران (صص. ۶۵۱۸-۶۵۲۸)*. نورمگز. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2140747>



- احمدی، ع.، و آقابابایی، س. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش حافظه فعال بر بهبود عملکرد تحصیلی کودکان با ناتوانی یادگیری ریاضی. *روانشناسی بالینی*، ۲ (۴)، ۷۳-۸۱. <https://sid.ir/paper/fa359602>
- حسینی، م.، و همکاران. (۱۳۹۹). تنظیم شناختی هیجان و مشکلات رفتاری در کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری خاص: ریاضی، خواندن و نوشتن. *فصلنامه کودکان استثنایی*، ۲۰ (۱)، ۸۷-۹۸. <https://sid.ir/paper/fa96378>
- تأثیر آموزش کارکردهای اجرایی بر عملکرد ریاضیات و خواندن دانش آموزان دبستانی با ناتوانی های یادگیری ویژه. (بی تا). *پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی*. <https://sid.ir/paper/fa96324>
- مروری نظام مند در اثربخشی کارکردهای اجرایی بر ارتقای خواندن و نوشتن در دانش آموزان دارای مشکلات یادگیری. (بی تا). *مجله مطالعات ناتوانی*. <https://sid.ir/paper/fa1588141>
- اثربخشی آموزش توجه بر عملکرد ریاضی دانش آموزان با ناتوانی یادگیری ریاضی. (بی تا). *پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی*. <https://sid.ir/paper/fa210256>
- بررسی مشارکت والدین در انگیزش تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهرستان باشت. (بی تا). *پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی*. <https://sid.ir/paper/fa1095367>
- نقش باورهای خودکارآمدی و انگیزه پیشرفت در پیش بینی اضطراب امتحان دانش آموزان مقطع ابتدایی مبتلا به ناتوانی یادگیری. (بی تا). *مگیران*. <https://www.magiran.com/paper/1794906>
- مقایسه سبک های تصمیم گیری و دزدگی تحصیلی در دانش آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری خاص. (بی تا). *مگیران*. <https://www.magiran.com/paper/2496204>
- اثربخشی روش دیداری - حرکتی کپارت بر بهبود مهارت نوشتن دانش آموزان دوره ابتدایی دارای اختلال یادگیری ویژه. (بی تا). *مگیران*. <https://www.magiran.com/paper/2559359>
- اثربخشی آموزش فلش کارت بر بهبود اختلال یادگیری نوشتاری در زمینه املا. (بی تا). *مگیران*. <https://www.magiran.com/paper/2209462>
- تأثیر بازی های آموزشی رایانه ای بر انگیزش تحصیلی مفاهیم ریاضی دانش آموزان پسر با ناتوانی یادگیری ریاضی. (بی تا). *مگیران*. <https://www.magiran.com/paper/1467276>
- تأثیر بازی رایانه ای آموزشی بر توجه پایدار دانش آموزان با ناتوانی یادگیری. (بی تا). *مگیران*. <https://www.magiran.com/paper/2903751>
- بررسی تأثیر روش یادگیری معکوس بر نگرش و عملکرد در درس ریاضی دوره ابتدایی. (۱۳۹۹). *فناوری آموزش*، ۱۵ (۱)، ۸-۱. <https://sid.ir/paper/fa375515>

منابع انگلیسی

Institute of Education Sciences. (n.d.). *Resources for educators*. U.S. Department of Education, What Works Clearinghouse. <https://ies.ed.gov/ncee/wwc/Resources/ResourcesForEducators26>



What Works Clearinghouse. (n.d.). *Teaching elementary school students to be effective writers*. Institute of Education Sciences, U.S. Department of Education.
<https://ies.ed.gov/ncee/wwc/practiceguide/17>

U.S. Department of Education, Institute of Education Sciences, National Center for Education Evaluation and Regional Assistance, Regional Educational Laboratory. (n.d.). *Toolkit to support evidence-based writing instruction in grades 2 through 4: Module 2: Teaching students to use the writing process*. <https://ies.ed.gov/ncee/rel/writing-grades-2-4/module2>

Kentucky Reading Research Center. (2025, June 9). *A review of phonics interventions or practices for children in kindergarten through 3rd grade (2014–2024)*.
<https://www.kyreadingresearch.org/wp-content/uploads/2025/09/Phonics-Review-K-3.pdf>

Sousamidou, A., & Kyrillidi, F. (2026). Mothers' perspectives on school-family collaboration in supporting children with dyslexia: A qualitative study. *Futurity Education*. <https://futurity-education.com/index.php/fed/article/view/613>